



ایران در دوران معاصر

ریشه واژه کلمه لغت تابستان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۸ مرداد ۱۳۹۲ ۱۰ دقیقه مطالعه

زبان پارسی شیرین است



حتی اگر یک واژه از واژه‌ها بماند
به طور عامیانه صحبت می‌کنید
را حذف کنید
خدمت بزرگی به جامعه پارسی زبانان کرده اید

چکیده مقاله

واژه تاپ در زبان پارسی به مانای تف گرم و داغ است که با افزودن پسوند ستان به شکل تاپستان و سپس تابستان درآمده است. مانند زمستان که زم به مانای سرد در واژه زمین (سرد شده) و زمهریر نیز به کار رفته است. از ریشه تاپ واژگان زیر ساخته شده اند: تاپن=گرم شده (مانند خواهشن=خواهش شده و پیراهن=در پیرامون نهاده شده آفتاب=تاپش از بالا، گرما از بالا (آف=بالا، همتای up) تاپاله=ابزار گرماساز (آله پسوند ابزارساز است مانند تفاله کشاله) تاپیدن=گرم کردن، پرتو گرمازا دادن که امروزه تاپیدن خوانده میشود و با تابیدن و ت

زبان پارسی شیرین است



حتی اگر یک واژه از واژگان یهانه را که
به طور عامیانه صحبت می کنید
را حذف کنید
خدمت بزرگی به جامعه پارسی زبانان کرده اید

واژه تاپ در زبان پارسی به مانای تف گرم و داغ است که با افزودن پسوند ستان به شکل تاپستان و سپس تابستان درآمده است. مانند زمستان که زم به مانای سرد در واژه زمین (سرد شده) و زمهریر نیز به کار رفته است. از ریشه تاپ واژگان زیر ساخته شده اند:

تاپن=گرم شده (مانند خواهشن=خواهش شده و پیراهن=در پیرامون نهاده شده آفتاب=تاپش از بالا، گرما از بالا (آف=بالا، همتای up) تاپاله=ابزار گرماساز (آله پسوند ابزارساز است مانند تفاله کشاله) تاپیدن=گرم کردن، پرتو گرمایا دادن که امروزه تابیدن خوانده میشود و با تابیدن و تاباندن به مانای پیچیدن و پیچاندن فرق دارد.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ریشه واژه کلمه لغت تابستان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1314/pdf/ریشه-واژه-کلمه-لغت-تابستان>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۸ مرداد ۱۳۹۲